

علوم شناختی (علم شناسی)

علوم شناختی (علم شناسی) مجموعه مطالعات روشمندی است که فرآیند شناخت را در زیرساخت های ذهنی، فیزیولوژیک و علم النفس قرآنی (و هر علم دیگری که به توضیح شناخت کمک کند) بررسی می کند. هدف شناختی این مجموعه مطالعات دستیابی و نزدیک شدن به گزارشات موردی و تجربی (و قابل تعمیم) مفهوم سپهری ادراک و فهم و کاربردی سازی آن است. علوم شناختی شاخه ی مطالعاتی کل نگر است. علوم مشارک بسیاری مانند نانوتکنولوژی، زیست فن آوری، فناوری اطلاعات و زیرمجموعه های علم اعصاب، روان شناسی، زبان شناسی، هوش مصنوعی و فلسفه ذهن تشکیل گردیده است و کاربرد وسیعی در رشته های فرعی مانند پزشکی، آموزش و پرورش، جامعه شناسی، سیاست، علوم اطلاعات، ارتباطات و رسانه های گروهی، مهندسی پزشکی، مهندسی فرمان و کنترل و حتی علوم دفاعی و جنگ پیدا کرده است. (تعریف از نگارنده نیست)

علوم شناختی به جهت کاربردی، فواید بی شماری دارد. در مجموع می تواند همه تعاملات انسانی را بهبود بخشد.

تفاوت علوم شناختی و فلسفه علم این است که در اینجا به مسایل خرد تجربی، حسی و نیز مطالعات فیزیولوژیک و نیز مصادیق تجارب ماورائی بشر در ادراک، با تاکید بر روش آزمایشگاهی و بهره از مباحث انسان شناختی قرآنی و وحیانی به منظور آرایه ی دیدگاه های نظری و بیشتر کاربردی توجه می شود. اما در فلسفه علم تقریباً باید مفهوم مقابل آن را بکار برد (به جز وجه معارف وحیانی که در همه علوم انسانی حضور دارد)



علم و نه فلسفه بودن یک شاخه مطالعاتی هرگز به معنای منزوی بودن آن از مباحث قرآنی نیست.



متأسفانه بسیاری از مراکز علمی به سنت تقلید بدون توجه به زویای شناخت و عظمت وجودی انسان و نیز سپهر آفرینش و سپهر معرفت، مثل همیشه در ویل نگاه مادی افتاده اند و علوم ادراکی را اینگونه تعریف کرده اند:

علوم شناختی یکی از دانش های نو است که در کنار نانوتکنولوژی، بیوتکنولوژی، فناوری اطلاعات مجموعه دانشهای همگرا را که NBIC نام گرفته اند تشکیل می دهند. این رشته از زیرمجموعه های علم اعصاب، روان شناسی، زبان شناسی، هوش مصنوعی و فلسفه ذهن تشکیل گردیده است و کاربرد وسیعی در رشته های فرعی مانند پزشکی، آموزش و پرورش، جامعه شناسی، سیاست، علوم اطلاعات، ارتباطات و رسانه های گروهی، مهندسی پزشکی، مهندسی فرمان و کنترل و حتی علوم دفاعی و جنگ پیدا کرده است. مؤسسات تحقیقاتی و دانشگاههای بسیاری به تحقیق در زمینه علوم شناختی اشتغال دارند و در تلاشند تا راز بزرگترین سرمایه آدمی یعنی مغز و ذهن

را کشف کنند و کارکردهای آنرا به عنوان عالی

ترین و پیچیدهترین ودیعه الهی بشناسند. بیشتر

در تعریف فوق در مطالعه پیچیده ترین ودیعه ی الهی از معارف قرآن و

مضامین عالیه آن در حوزه انسان شناسی غفلت شده است. این تعریف ذاتا

و عرضا نسبت به معارف اسلام منزوی است.